

۱۰۵

کای بودی شکسته ولایت عالمها سپید
 عالم خجیب و بی کسی و بی آستانه سپید
 اولاد خویش را که شهنشاهه مجشید
 در طوطی عقوبت اهل مفا سپید
 در قله بر حجاب در کوه آینه نگاه
 کاشه عطف نصیب ما بی سپید
 تهن در آ برادر خوشامد کردید
 طغیان بهیل تفته و موج بل سپید
 تنای آستانه هم در خاک و ضربه نگر
 سرهای سروریه هم بر نیزها سپید
 آنه که بود بر سر روزه بی منام
 یک نزه اسه روزه مخالف جی سپید
 غنایه بجاک معرکه کردید سپید
 یا نصیحة الرسول زبیه زیاد داد
 کو فاک اهل سانه بیار داد

۱۱۰

ای صوف خاندان که چه سید کرده
 جز که بی طبع در به ستم آید کرده
 کام بریزه داده از کشته سپید
 نگر که بی بقیول که و نشاد کرده
 در طعنیه ای به بر سانه که با غنیه رسول
 سید و کرده خصم و تو املا کرده
 ای راجه نیا و نکرانته هم که
 برود دیده کل که تو شهاد کرده
 بدرضی که باه در فتنه شقاوت
 در باغ دیده چه با کل و شهاد کرده
 خلقی که سوره لعل به فرد نی بران
 از به اسه زخمی فولاد کرده
 بادشاهه دیده نتواند کرد این تو
 نامعطف جرمیه داو لاد کرده
 ترسم ترا در همه که بخش در آورند
 از آنسه نو دود زخمش بر آورند

۱۰۲

فاموسه مجشتم که دل سلفه آب شد
 بیار هرود فامه طانت طایب شد
 فاموسه مجشتم که از به وفه فوجها لا
 میوه کوه و ماهی دریا کباب شد
 فاموسه مجشتم که از به وفه سوزناک
 اشک رویش مستحماه در نایب شد
 فاموسه مجشتم که از به شعر که جز
 روی زخمه زاشک فوه فضا شد
 فاموسه مجشتم که فلک بکله فوه کرگند
 دریا هزاره و نه کلکوه حساب شد
 فاموسه مجشتم که زشت کرد نوا فتاب
 از کرد راه مانیان در ماه تاب شد
 فاموسه مجشتم که ز کرد فهم صبر
 جبریل را ز رویه بیار بر حجاب شد
 تا صوف سفید بود مظان جنبه نگر
 با همی آفرین جفان جنبه نگر

نظریه

۱

یاسه ندر بو عوسه شورش غلوه عالم
 یاسه ندر بو نوه بو نجه غلاد عالم
 بو سنج عظمی ارشد و ساین طوتسه
 با نفع صور واسه تا فوزه عرسه اعظم
 بو صبح بزه روزی و درستی دلاستی کلک
 اینده عظمه کابیه هلو جوی در هم
 کونا که در رفاهه غنیه طوطی بو کونه
 آشوبه ایچیه زنده ابروی قیامه عالم
 قومیه مکر فیات دینسه اهره مؤفیه
 بو سنج عماره کیم اسیده مجتم
 درگاه تدریاسه بر یوجم اکره ملال
 قسیرک زوسه نایزی خنده بورم

Copyright © King Saud University